

تاجتاد

دو فصل نامه علمی - تخصصی
سال اول، شماره 2، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

تطبیق واحد سنجش فرسخ برواحدهای سنجش امروزی^۱

یاسر قیصری نیا^۲

تاجتاد

چکیده

فقیهان بزرگ شیعه از قدما و معاصران درباره حد مسافت باعث قصر نماز بر مسافر، بحث‌های علمی مفصل داشته‌اند. در روایت‌ها یک معیار زمانی برای قصر؛ یعنی «طی راه یک روز» و سه معیار مکانی، «هشت فرسخ، دو برید و ۲۴ میل» بیان شده که البته هر چهار معیار در زمان امامان معصوم علیهم‌السلام یکسان بوده است. امروزه هم که معیار زمانی با معیار مکانی متفاوت شده، فقیهان می‌گویند که معیار مکانی متبع است اما این مسافت‌ها را چگونه بر واحدهای سنجش امروز تطبیق کنیم؟

یک راه این است که به سراغ کلمات فقیهان و اهل لغت برویم. در کلمات فقیهان هر میل، چهار هزار ذراع معرفی شده است که اگر این ذراع را با ذراع ید حساب کنیم، چهار فرسخ بین ۲۱/۵ - ۲۴ کیلومتر خواهد شد. این مسافت با فتوای فقیهان امروز مناسب است. در مقاله پیش‌رو، راه دیگری نیز برای به دست آوردن مسافت به کیلومتر، بیان شده است. در بسیاری از روایت‌ها وارد شده است که اهل مکه باید در عرفات نمازشان را شکسته

تطبیق واحد سنجش فرسخ برواحدهای سنجش امروزی

۱. تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۰/۱۲

۲. تاریخ تأیید مقاله: ۹۳/۱۲/۱۰

بخوانند. فاصله بین مکه تا عرفات در زمان امامان معصوم علیهم السلام بیش از بیست کیلومتر نبوده است. با توجه به این مطلب به این نتیجه می‌رسیم که هشت فرسخ بیش از چهل کیلومتر نیست.

این‌که فقیهان نوشته‌اند هر میل چهار هزار ذراع است، با راه دوم منافاتی ندارد چرا که مراد از ذراع، ذراع ید نیست بلکه مراد ذراع اسود می‌باشد که یک واحد حکومتی تحدید شده در زمان مأمون است. الزامی نیست که ذراع اسود به‌طور حتم با ذراع ید مساوی باشد؛ پس هشت فرسخ به معیار زمان ما بیش از چهل کیلومتر نیست.

واژگان کلیدی: واحد سنجش، فرسخ، واحد سنجش امروزی.

مقدمه

برای فرد مسلمان نمازهای کامل و برای مسافر نمازهای شکسته مشخص شده است. در روایتی از فضیل آمده است که می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خدای عز و جل نمازهای پنجگانه را دو رکعت دو رکعت تا ده رکعت واجب ساخت. سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله به دو رکعت (ظهر و عصر و عشا) دو رکعت و به مغرب یک رکعت افزود و این اضافات با واجب خدای تعالی همدوش گشت، به طوری که ترک آن‌ها جز در سفر جایز نیست و چون در نماز مغرب یک رکعت افزود، آن را در سفر و حضر بر جا گذاشت. خدای عز و جل تمام این اضافات پیغمبر را اجازه کرد و نمازهای یومیه واجب هفده رکعت گشت... تا جایی که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نسبت به دو رکعت نمازی که به واجب خدای عز و جل اضافه فرموده بود، به هیچ کس رخصت تقصیر نداد، بلکه آن را به شکل وجوب بر ایشان ملزم ساخت، برای هیچ کس جز مسافر رخصت تقصیر نداد و هیچ کس را نرسد که نسبت به آنچه رسول خدا صلی الله علیه و آله رخصت نداده رخصت دهد، پس امر رسول خدا صلی الله علیه و آله با امر خدای عز و جل و نهی او با نهی موافق و برابر است، بر بندگان لازم است تسلیم او باشند همچنان که تسلیم خدای تبارک و تعالی هستند.^۱

نماز بهترین و مهم‌ترین عمل عبادی دین ماست که در هیچ حال نباید از عبد فوت

تاجتاد

سال اوله شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۱. حرّ عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۴، ص ۴۶، ح ۲.

شود؛ حتی برای غریق هم نماز ویژه قرار داده شده است.

برای شخص مسافر هم به جای نمازهای چهار رکعتی، نماز دو رکعتی جعل شده است. روایت شریفه‌ای که در صدر کلام بیان شد، می‌فرماید: دو رکعتی که پیامبر اکرم ﷺ به نماز ظهر و عصر و عشا اضافه فرمود، مختص به حاضر بوده و برای مسافر فقط همان دو رکعت تشریح الاهی قرار داده شده است که طبق روایت خصال، امتنانی است از طرف خداوند متعال ﷻ نسبت به بندگانش.^۱

پس از روشن شدن اصل تشریح قصر برای مسافر و اتفاق نظر عالمان شیعه بر وجوب آن، نخستین مسئله‌ای که در بحث نماز مسافر باید بررسی شود، حد مسافتی است که مسافر با طی آن نمازش شکسته می‌شود. مکلفی که عازم سفر است باید قصد طی چه مسافتی را داشته باشد تا نمازش شکسته شود؟ این نوشتار در پی آن است که پس از تعیین مسافت مشخص شده در روایت‌ها به عنوان معیار قصر، آن را با واحد امروزی یعنی «متر» تطبیق دهد.

معیار قصر در روایت‌ها

روایت‌ها در این باره فراوان است و دو معیار گوناگون در آن‌ها به چشم می‌خورد.

تأیید

۱. معیار زمانی «مسیره یوم»

در بسیاری از روایت‌ها آمده است که اگر مسافر به مقدار یک روز سیر کند، نمازش شکسته می‌شود؛ البته مهم این است که راه به حدی باشد که سیر عادی قوافل - که آن زمان بیشتر با شتر بوده است - در آن به مقدار روشنایی یک روز به طول بینجامد؛ اگرچه مسافری این مسافت را به نصف روز یا به دو روز طی کند. از باب نمونه دو روایت در این باره بیان می‌کنیم:

۱. [محمد بن حسن الطوسی] عَنْهُ [علی بن حسن بن فضال] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ كَمْ أَدَّتِي مَا يُقَصَّرُ فِيهِ الصَّلَاةُ قَالَ حَرَّتِ السَّنَةُ بِيَاضِ يَوْمٍ؛

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۷۷، ح ۱۲.

از امام صادق علیه السلام پرسیدم: کمترین مقداری که نماز در آن شکسته است چقدر است؟ حضرت فرمودند: سنت بر روشنایی یک روز جاری شده است.^۱

۲. وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ يَقْطِينٍ عَنْ أَخِيهِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فِي سَفَرِهِ وَ هُوَ فِي مَسِيرَةٍ يَوْمًا قَالَ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ (فِي) مَسِيرَةِ يَوْمٍ؛

از امام کاظم علیه السلام در مورد مردی که برای مسافرت خارج می‌شود و به اندازه ی یک روز طی مسافت می‌کند پرسیدم. حضرت فرمود واجب است در مسافت یک روزه نماز را شکسته بخواند.^۲

۲. معیار مکانی

در برخی دیگر از روایات آمده که طی مسافت هشت فرسخ باعث قصر است؛ هر چند این راه در کمتر یا بیشتر از یک روز طی شود. به برخی روایت‌های آن اشاره خواهیم کرد.

هر دو معیار در زمان شارع و شاید تا قرن گذشته مساوی بوده، یعنی سیر عادی قوافل با شتر در یک روز عادی هشت فرسخ بوده است. روایت‌هایی مانند روایت سماعه به این مطلب اشاره کرده‌اند.

قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ فِي كَمْ يُقْصَرُ الصَّلَاةُ فَقَالَ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ ذَلِكَ بَرِيدَانِ وَ هُمَا ثَمَانِيَةُ فَرَاسِخٍ الْحَدِيثُ؛

سماعه می‌گوید از امام علیه السلام در مورد مسافر پرسیدم که در چه مسافتی نمازش را باید شکسته بخواند؟ حضرت فرمودند: در سفری که یک روز طول بکشد و چنین سفری دو منزل است که مقدارش هشت فرسخ می‌شود.^۳

اگرچه که در همان زمان‌ها ممکن بود عده‌ای پیاده سفر کنند و در یک روز کمتر از

۱. همان، ج ۸، ص ۴۵۵، ح ۱۵.

۲. همان، ح ۱۶.

۳. همان، ح ۸.

این مقدار طی طریق کنند و عده‌ای هم با اسب‌های تندرو و بیشتر از این مقدار سفر کنند اما حد قصر طبق آنچه از روایت‌ها به دست می‌آید، همان سیر عادی در یک روز یعنی هشت فرسخ می‌باشد؛ به طور مثال، در روایت عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام آمده است:

فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ بِيَاضَ يَوْمٍ يَخْتَلِفُ يَسِيرُ الرَّجُلُ خَمْسَةَ عَشَرَ فَرَسَخًا فِي يَوْمٍ وَ يَسِيرُ
الْآخَرَ أَرْبَعَةَ فَرَسَخٍ وَ خَمْسَةَ فَرَسَخٍ فِي يَوْمٍ قَالَ فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ إِلَى ذَلِكَ يُنْظَرُ أَمَا
رَأَيْتَ سَيْرَ هَذِهِ الْأَمْيَالِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةَ - ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ مِيلًا؛

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مقدار سفیدی یک روز مختلف است. گاهی انسان پانزده فرسخ را در یک روز طی می‌کند و روز دیگر چهار یا پنج فرسخ. حضرت فرمودند: به این چیزها نگاه نمی‌شود. آیا پیمودن میل‌های بین مدینه و مکه را ملاحظه نکرده‌ای؟ سپس با دستان خود اشاره کردند بیست و چهار میل است.^۱

مورد بحث این است که آیا معیار حقیقی قصر مسیره یوم است و معیار دوم فقط بیان یک سری عنوان‌های مشیره برای تشخیص مسیره یوم است یا برعکس، معیار اصلی و واقعی هشت فرسخ است و برای تشخیص آسان آن مسیره یوم را که برای همه قابل تشخیص بوده است، معرفی کرده‌اند؟ ثمره این بحث در زمان ما روشن می‌شود که سیر معمولی قوافل با اتوبوس است که در یک روز حدود هزار کیلومتر طی می‌کنند. بنا بر نظر نخست در سفرهای بین هشت فرسخ تا هزار کیلومتر نماز تمام و بنا بر نظر دوم شکسته است. اگر نظر اول صحیح باشد و مسیره یوم معیار اصلی باشد دیگر بحث از اینکه هشت فرسخ چند کیلومتر است امروزه به درد نمی‌خورد بلکه آنچه باید روشن شود این است که مقدار سیر قوافل عادی (اتوبوس) در یک روز چقدر است اما طبق نظر دوم که معیار اصلی را هشت فرسخ می‌داند این باید مشخص شود که هشت فرسخ به طور دقیق چند کیلومتر است.

به نظر می‌آید همان‌گونه که مشهور قائل شده‌اند، نظر دوم صحیح باشد؛ چون هشت فرسخ یک معیار دقیق و منضبط می‌باشد که می‌توانسته به عنوان ملاک قصر قرار گیرد

۱. همان، ح ۱۵.

اما در عین حال تشخیص آن با وسایل آن روز بسیار دشوار بوده است اما معیار مسیره یوم اگرچه دقیق و منضبط نبوده اما معیاری راحت و قابل تشخیص برای همگان بوده است. به همین جهت به عنوان یک روش برای به دست آوردن معیار اصلی منضبط یعنی هشت فرسخ بیان شده است.

بهرتر است درباره این بحث که ما را از پی گیری موضوع اصلی مقاله وا می دارد، اطاله کلام نکرده و بر طبق نظر دوم یعنی همان رأی مشهور بحث را پی بگیریم. درباره معیار مکانی در روایت ها سه بیان آمده است:

الف) هشت فرسخ: فرسخ، فارسی معرب بوده و در اصل فرسنگ یا پرسنگ بوده است. در نهایت ابن اثیر آمده است:

فرسخ یعنی هر شیء کثیری که لاینقطع باشد و فرسخ های شب و روز همان ساعات و اوقات آن است و فرسخی که به معنای مقدار مسافت معلومی از زمین باشد نیز از همین گرفته شده است.^۱

در برخی از روایت ها هشت فرسخ، معیار قصر معرفی شده است؛ مانند:

الف) عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُسَافِرِ فِي كَمْ يُقَصِّرُ الصَّلَاةَ فَقَالَ فِي مَسِيرِهِ يَوْمٍ وَ هِيَ ثَمَانِيَةٌ فَرَسَاخٍ الْحَدِيثُ؛

سماعه گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در چه مقدار نماز مسافر شکسته می شود؟ حضرت فرمودند: به اندازه ی مسیر یک روز که همان هشت فرسخ است.^۲

ب) عُبَيْونُ الْأَخْبَارِ عَنِ الرَّضَاءِ عليه السلام فِي كِتَابِهِ إِلَى الْمُأْمُونِ وَ التَّقْصِيرُ فِي ثَمَانِيَةِ فَرَسَاخٍ وَ مَا زَادَ وَ إِذَا قَصَّرْتَ أَفْطَرْتَ؛

امام رضا علیه السلام در نامه ای که به مامون نگاشتند چنین نوشتند: نماز در هشت فرسخ و بالاتر شکسته می شود و هنگامی که نماز را شکسته خواندی روزه ات را نیز بخور.^۳

ب) ۲۴ میل: میل در لغت به معنای مناری است که به عنوان علامت برای مسافر و

۱. اشتهازدی، مدارک العروه، ج ۱۹، ص ۵۱.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۳، ح ۱۳ و باب ۴، ح ۴.

۳. همان، ح ۶.

غیر وی در زمین نصب می‌شد؛ به‌طور مثال، در مسعی برای مشخص کردن قسمتی که سعی به‌صورت هروله انجام می‌شود، دو عمود یکی در ابتدا و دیگری در انتها نصب کرده بودند که به آنها «المیلان الأخضران» گفته می‌شد.^۱

برای برخی مسافت‌های طولانی مانند راه مسیر مکه و مدینه یا راه مکه تا عرفات به فاصله مشخصی این میل‌ها را نصب می‌کردند که بعدها به فاصله ما بین دو عمود یک میل اطلاق شد.

طبق برخی روایت‌ها طی مسافت ۲۴ میل باعث شکسته شدن نماز است؛ مانند:

(الف) [مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنٍ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ (عَلِيِّ بْنِ حَسَنٍ) بْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نُجْرَانَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ عَيْصِ بْنِ قَاسِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: فِي التَّقْصِيرِ حُدَّةٌ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ مَيْلًا؛

امام صادق عليه السلام فرمودند: حدّ شکستن نماز بیست و چهار میل است.^۲

(ب) [مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنٍ] بِإِسْنَادِهِ عَنْ (عَلِيِّ بْنِ حَسَنٍ) بْنِ فَضَّالٍ [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ جَمِيعًا عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ كَمْ أَدْتَى مَا يُقْصَرُ فِيهِ الصَّلَاةُ قَالَ حَرَّتِ السَّنَةُ بِيَاضِ يَوْمٍ فَقُلْتُ لَهُ إِنَّ بِيَاضَ يَوْمٍ يَخْتَلِفُ يَسِيرُ الرَّجُلُ خَمْسَةَ عَشَرَ فَرَسَخًا فِي يَوْمٍ وَ يَسِيرُ الْآخَرَ أَرْبَعَةَ فَرَسَخٍ وَ خَمْسَةَ فَرَسَخٍ فِي يَوْمٍ قَالَ فَقَالَ إِنَّهُ لَيْسَ إِلَى ذَلِكَ يُنْظَرُ أَمَا رَأَيْتَ سَيْرَ هَذِهِ الْأَمْيَالِ بَيْنَ مَكَّةَ وَ الْمَدِينَةِ - ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ أَرْبَعَةَ وَ عِشْرِينَ مَيْلًا؛

از امام صادق عليه السلام پرسیدم: کمترین مقداری که نماز در آن شکسته است چقدر است؟ حضرت فرمودند: آنچه سنت بر آن جاری شده روشنایی یک روز است. عرض کردم: مقدار سفیدی یک روز مختلف است. گاهی انسان پانزده فرسخ را در یک روز طی می‌کند و روز دیگر چهار یا پنج فرسخ. حضرت فرمودند: به این چیزها نگاه نمی‌شود آیا پیمودن میل‌های بین

تأجتهاد

۱. غنیمی میدانی، اللباب شرح الكتاب، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۴، ح ۱۴.

مدینه و مکه را ملاحظه نکرده‌ای؟ سپس با دستان خود اشاره کردند بیست و چهار میل است.^۱

ج) بریدان: برید به معنای رسول است؛ یعنی کسی که برای بردن نامه‌ها فرستاده می‌شد. این رسول‌ها با مرکبی راه می‌افتادند؛ پس از طی مسافتی مشخص به کاروان‌سرای می‌رسیدند مرکب خود را عوض کرده و دوباره حرکت می‌کردند یا این‌که نامه را به رسول دیگری می‌سپردند تا وی ببرد. بعدها برید به فاصله بین این دو استراحتگاه اطلاق شد. مرحوم ابن‌ادریس رضی الله عنه در سرائر می‌نویسد:

وجه نامگذاری برید این است که مردم در گذشته منزلگاه‌هایی را در مسیرها قرار می‌دادند. هنگامی که نامه‌رسان به آنجا می‌رسید از مرکب پیاده می‌شد و نامه‌ها را در آنجا می‌گذاشت و استراحت می‌کرد و می‌خواست. از این رو که خواب به «برد» نامگذاری شده بود، فاصله‌ی دو موضعی را که نامه‌رسان‌ها در آنجا استراحت می‌کردند، برید نامیدند؛ یعنی هر برید فاصله‌ی بین دو منزلگاه بود. اصل آن به معنای جایی است که نامه‌رسان‌ها در آنجا استراحت می‌کنند.^۲

در لسان العرب از قول زمخشری و همچنین در وافی فیض‌کاشانی رضی الله عنه به نقل از نهایی ابن‌اثیر آمده است:

برید کلمه‌ای فارسی است که اصل آن به معنای قاطر می‌باشد. اصل آن (بریده دُم) یعنی قاطری که دمش بریده شده باشد؛ زیرا قاطرهای برید، دم بریده بودند و این برای آنان همچون علامت بود. سپس این کلمه‌ی فارسی به عربی برگردان شده و تخفیف گردید. سپس پیغام‌رسانی که سوار این مرکب‌ها می‌شد برید نام گرفت و همچنین مسافتی که بین دو سکه باشد را برید می‌گویند و سکه مکانی بود که پیغام‌رسانان در آنجا ساکن می‌شدند.^۳

در برخی روایت‌ها آمده که مسافت باعث قصر دو برید است؛ مانند:

الف) مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنِ بْنِ سَنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ

۱. همان، ح ۱۵.

۲. ابن‌ادریس، سرائر، ج ۱، ص ۳۲۸.

۳. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۸۶ فیض‌کاشانی، الوافی، ج ۱۲، ص ۴۸۲.

ابن أبي عمير عن أبي أيوب عن أبي عبد الله عليه السلام قال سألتُه عن التَّقْصِيرِ قَالَ فَقَالَ فِي بَرِيدَيْنِ أَوْ بَيَاضِ يَوْمٍ؛

از امام صادق عليه السلام در مورد شکسته خواندن نماز پرسیدم. حضرت فرمودند: در دو برید نماز شکسته است یا در سفر یک روز.^۱

(ب) مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ تَضْرٍ عَنْ عَاصِمِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي كَمْ يُفَصِّرُ الرَّجُلُ قَالَ فِي بَيَاضِ يَوْمٍ أَوْ بَرِيدَيْنِ؛

از امام صادق عليه السلام پرسیدم در چه مسافتی نماز مرد شکسته می‌شود؟ حضرت فرمودند: در سفر یک روز یا در دو برید.^۲

تنبيهات

در ادامه به تنبيه‌هایی درباره این بحث اشاره می‌کنیم:

یکم: مطلبی را که برخی روایات‌ها به آن اشاره داشته و مورد فتوای اصحاب هم هست، این است که لازم نیست این مسافت‌ها امتدادی باشند. به خلاف برخی اهل سنت که می‌گویند مسافت باید امتدادی باشد؛ یعنی اگر مسافت بین مبدأ و مقصد بدون لحاظ برگشت به حد مسافت شرعی برسد، نماز شکسته می‌شود وگرنه خیر؛ اما فقیهان شیعه مسافت تلفیقی را هم باعث قصر می‌دانند؛ یعنی مجموع رفت و برگشت اگر به حد هشت فرسخ یا ۲۴ میل یا دو برید رسید باعث شکسته شدن نماز است^۳ - البته اختلاف‌هایی وجود دارد که آیا باید راه رفت یا هر یک از رفت و برگشت جداگانه نصف این مقدار باشد یا این که چنین شرطی وجود ندارد.

پس این که در برخی روایات‌ها مسافت باعث قصر را چهار فرسخ^۴ یا یک برید^۱ یا

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۵۳، ح ۷.

۲. همان، ح ۱۱ و ۱۲.

۳. روایت‌هایی مانند روایت زیر به کفایت مسافت تلفیقی دلالت می‌کنند: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ حُسَيْنٍ بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ التَّقْصِيرِ فَقَالَ بَرِيدٌ ذَاهِبٌ وَ بَرِيدٌ جَائِيٌّ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِذَا أَتَى ذُبَابًا فَصَرَ وَ ذُبَابٌ عَلَى بَرِيدٍ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بَرِيدَيْنِ تَمَائِيَّةً فَرَسَخٍ». همان، ج ۸، ص ۴۶۱، ح ۱۳ و ۱۴.

۴. همان، ج ۸، ص ۴۵۸، ح ۵.

دوازده میل^۲ دانسته شده به اعتبار این است که مجموع رفت و برگشت دو برابر می شود. دوم: از روایتها و کلمات لغویها فهمیده می شود که سه مقیاس بیان شده به طور دقیق با هم برابر هستند. یک برید چهار فرسخ است و هر فرسخی سه میل؛ پس چهار فرسخ می شود دوازده میل. برخی از این روایتها عبارت هستند از:

۱. مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنِ بْنِ سَنَادَةَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: التَّقْصِيرُ فِي بَرِيدٍ وَ الْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ؛ امام باقر عليه السلام فرمودند: شکسته خواندن نماز در برید است و برید چهار فرسخ می باشد.^۳

۲. مُحَمَّدُ بْنُ حَسَنِ بْنِ سَنَادَةَ عَنْ (عَلِيِّ بْنِ حَسَنِ) بْنِ فَضَّالٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ وَ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ جَمِيعاً عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي حَدِيثٍ قَالَ قُلْتُ لَهُ كَمْ أَدْنَى مَا يُقْصَرُ فِيهِ الصَّلَاةُ ... ثُمَّ أَوْ مَأْ بِيَدِهِ أَرْبَعَةً وَ عَشْرِينَ مَيْلًا يَكُونُ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخٍ؛

به امام صادق عليه السلام عرض کردم: کمترین مقداری که در آن نماز شکسته می شود چقدر است؟ حضرت با دستانشان اشاره کردند بیست و چهار میل که هشت فرسخ می شود.^۴

۳. قَالَ الصَّادِقُ عليه السلام إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ بِالتَّقْصِيرِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فِي كَمْ ذَلِكَ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ فَقَالَ وَ كَمْ الْبَرِيدُ قَالَ مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فِيءٍ وَ عَيْرٍ - فَذَرَعَتُهُ بَنُو أُمِيَّةَ - ثُمَّ جَزَعُوهُ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مَيْلًا فَكَانَ كُلُّ مَيْلٍ أَلْفًا وَ خَمْسِمِائَةَ ذِرَاعٍ وَ هُوَ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ؛

امام صادق عليه السلام فرمود: هنگامی که جبرئیل بر رسول خدا صلى الله عليه وآله نازل شده و حکم تقصیر (کوتاه ساختن نماز برای مسافر) را آورد، پیامبر خدا صلى الله عليه وآله به او فرمود: در چه مسافتی قصر باید کرد؟ جبرئیل گفت: پس از طی یک برید راه. آن حضرت پرسید: یک برید چه مسافتی است؟ عرض کرد: فاصله میان سایه کوه عیر تا سایه کوه وعیر، پس بنی امیه این فاصله را

۱. همان، ج ۸، ص ۴۶۴، ح ۵.
 ۲. همان، ج ۸، ص ۴۵۶، ح ۲.
 ۳. همان، ج ۸، ص ۴۵۶، ح ۱.
 ۴. همان، ح ۱۵.

اندازه‌گیری کرده و به دوازده میل بخش و علامت‌گذاری نمودند که هر
میل معادل هزار و پانصد ذراع بود که عبارت از چهار فرسخ است.^۱
در این مرسله به هر سه معیار اشاره شده است.

در مجمع‌البحرین نیز آمده است:

برید به فتح باء بر وزن فعیل یعنی چهار فرسخ یا دوازده میل و گفته شده
که دو فرسخ می‌شود شش میل، درحالی که مشهور بر خلاف آن عمل می
کنند.^۲

البته در تعداد کمی از روایت‌ها خلاف این آمده است اما افزون بر ضعف سند
برخی، مورد اعراض اصحاب نیز بوده‌اند.

سوم: در بین فقیهان اهل سنت در تحدید مسافت اختلاف نظر وجود دارد. ابوحنیفه
مسافت را سه مرحله می‌داند (هر مرحله‌ای هشت فرسخ است و سه مرحله ۲۴ فرسخ).
برخی مسافت را دو مرحله می‌دانند.

داوود ظاهری می‌گوید مطلق «ضرب فی الارض» باعث قصر است به استناد آیه شریفه
﴿وَ إِذَا ضَرَبْتُمْ فِی الْاَرْضِ فَلَیْسَ عَلَیْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَقْصُرُوْا مِنَ الصَّلَاةِ﴾^۳ اما عالمان شیعه در
تحدید مسافت به هشت فرسخ اتفاق نظر دارند.^۴

تأیید

چهارم: درباره روایت‌های بیان‌شده در بحث بررسی سندی انجام ندادیم؛ چون برای
هر یک از معیارهای مکانی و زمانی روایت‌های گوناگونی وجود دارد که در بین آن‌ها
روایت‌های صحیحه هم موجود است؛ بنابراین اگر هم یک روایت از جهت سند دچار
ضعف بود روایت صحیحه جایگزین وجود دارد.

راه‌های تطبیق معیار شرعی قصر بر واحد امروزی

آنچه مهم و هدف از نوشتن مقاله پیش‌رو می‌باشد، تبدیل این مسافت‌ها (میل، فرسخ و

۱. همان، ح ۱۶.

۲. طریحی، مجمع‌البحرین، ج ۳، ص ۱۳.

۳. نساء، آیه ۱۰۲.

۴. رک به: عینی، عمدة القارئ، ج ۳، ص ۵۳۱؛ نووی، المجموع شرح المذهب، ج ۴، ص ۳۲۵؛ بحرانی،
الحدائق، ج ۱۱، ص ۲۹۶.

برید) به کیلومتر است که مقیاس رایج عصر ماست. برای رسیدن به این هدف از دو راه می‌توان استفاده کرد.

۱. مراجعه به منابع روایی و فقهی و لغوی

به سراغ آنچه که از روایت‌ها یا کلمات فقیهان قدیم یا کتاب‌های اهل لغت برای روشن کردن این مقدار به دست می‌آید، برویم.

الف) کلمات فقیهان و لغوی‌ها: در کتاب‌های فقیهان و برخی کتاب‌های لغت،^۱ هر میل چهار هزار ذراع معرفی شده است که این تحدید را صاحب مدارک و صاحب کفایه^۲ مورد قطع عالمان دانسته‌اند و بسیاری مانند محقق^۳ و علامه^۴ آن را مشهور بین مردم یا مشهور نزد فقیهان می‌دانند.

صاحب مدارک می‌نویسد:

اصحاب بر اینکه مقدار آن چهار هزار ذراع است قطع دارند و در کلام برخی از اهل لغت نیز اشاره به آن شده است.^۵

در شرایع نیز آمده است:

هر میل چهار هزار ذراع است؛ میزان ذراع هم با اُنکا به اندازه‌ای که مشهور بین مردم است سنجیده می‌شود؛ یعنی اندازه‌ی ذراع دستی که طولش بیست و چهار انگشت باشد.^۵

شاید نخستین کتاب فقهی که هر میل را چهار هزار ذراع معرفی کرده است، سرائر به نقل از مسعودی در **مروج الذهب** باشد. وی می‌نویسد:

حد سفری که نماز در آن شکسته می‌شود طبق آنچه مسعودی در کتاب **مروج الذهب** آورده است، دو برید است و هر برید چهار فرسخ و هر فرسخ سه میل و هر میل چهار هزار ذراع است. مسعودی می‌گوید: هر میل

۱. طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۷۶؛ معلوف، المنجد فی اللغة، ص ۷۸۲، ماده میل و غیره.
۲. سبزواری، کفایه، ج ۱، ص ۱۵۶.
۳. حلی؛ منتهی، ج ۶، ص ۳۳۵.
۴. عاملی، مدارک، ج ۴، ص ۴۳۰.
۵. حلی، شرایع، ج ۱، ص ۱۲۲.

چهار هزار ذراع اسود است و آن ذراعی است که مامون برای اندازه‌گیری لباس و مساحت بناها و تقسیم منازل قرار داده است. هر ذراع بیست و چهار انگشت است.^۱

شهرت یا اتفاق نظر همه عالمان بعد از می‌توان ناشی از نقل مسعودی دانست چرا که مسعودی نزدیک زمان مأمون می‌زیسته است؛ بنابراین عالمان، تحدید وی را به علت نزدیکی عهد به روایت‌ها مورد قبول می‌دانند؛ اما ابن‌زهره^۲ در غنیه هر میل را سه هزار ذراع معرفی کرده و نوشته است:

هر فرسخ سه میل و هر میل سه هزار ذراع.^۲

برای این کلام ابن‌زهره^۳ هیچ شاهی در روایت‌ها نیست فقط در لغت می‌توان برای وی شاهی پیدا کرد. فیروزآبادی در قاموس آورده است:

میل به کسر میم به معنای چیزی است که با آن سرمه به چشم می‌کشند و به اندازه‌ی دیدن چشم و آتشی است که برای مسافری ساخته می‌شد، و یا به معنای مساحتی از زمین هموار که حدی ندارد می‌باشد، یا نود و شش هزار انگشت، یا سه یا چهار هزار ذراع است، که این اختلاف در ذراع ناشی از اختلاف در فرسخ است که آیا نه هزار ذراع به ذراع قدامت و یا دوازده هزار ذراع به ذراع محدثین است.^۳

از عبارت قاموس معلوم می‌شود که میل نزد قدامت سه هزار ذراع بوده است اما نزد متأخران چهار هزار ذراع است اما این اختلاف به نتیجه ضرر نمی‌رساند چرا که ذراع متأخران سه چهارم ذراع قدامت بوده است. هر ذراع نزد قدامت به مقدار ۳۲ انگشت در کنار هم و نزد متأخرین طول هر ذراع ۲۴ انگشت است؛ پس قدامت و متأخرین هر میل را ۹۶ هزار انگشت می‌دانند. فیومی در مصباح به این مطلب اشاره کرده و گفته است:

ازهری گفته است میل به کسر میم در کلام عرب به معنای نهایت مقداری از زمین است که چشم می‌بیند و میل نزد قدامت اهل هیئت سه هزار ذراع و نزد محدثین چهار هزار ذراع بوده است. البته این اختلاف فقط یک

تأیید

۱. ابن‌ادریس، سرائر، ج ۱، ص ۳۲۸.

۲. ابن‌زهره، غنیه، ص ۷۴.

۳. فیروزآبادی، القاموس المحیط، ج ۴، ص ۵۳.

اختلاف لفظی است؛ زیرا همه‌ی آن‌ها بر اینکه مقدار میل نود و شش هزار انگشت بوده و هر انگشت نیز به اندازه‌ی شش یا هفت جو است که شکم هر کدام به پشت دیگری رسیده باشد، اتفاق نظر دارند. لکن قدما بر این باور بودند که یک ذراع به اندازه‌ی سی و دو انگشت است؛ در حالی که محدثین معتقد بوده‌اند به اندازه‌ی بیست و چهار انگشت می‌باشد. پس اگر میل را برطبق رأی قدما تقسیم کنیم سه هزار ذراع، و اگر بر طبق رأی محدثین تقسیم کنیم چهار هزار ذراع خواهد بود. در هر حال فرسخ نزد همه‌ی آن‌ها همان سه میل است.^۱

تا این‌جا به این نتیجه رسیدیم که جمیع یا مشهور فقیهان و لغوی‌ها هر میل را چهار هزار ذراع جدید یا سه هزار ذراع قدیم می‌دانند که در مجموع ۹۶ هزار اصبع می‌شود. فرسخ نزد همه‌ی آنها همان سه میل است.

(ب) روایت‌ها: اما روایت‌های چنان‌که گفته شد برید، فرسخ و میل را بیان کرده‌اند و تحدید دیگری در آنها به چشم نمی‌خورد؛ مگر دو روایت مرسله که میل را به کمتر از چهار هزار ذراع مشخص کرده‌اند. این دو روایت عبارت هستند از:

۱. روایت کافی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى الْخَزَّازِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: بَيْنَا نَحْنُ جُلُوسٌ وَأَبِي عِنْدَ وَالِ بْنِ أُمِّيَّةَ عَلَى الْمَدِينَةِ إِذْ جَاءَ أَبِي فَجَلَسَ فَقَالَ كُنْتُ عِنْدَ هَذَا قَبِيلُ فَسَأَلْتُهُمْ عَنِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ فِي ثَلَاثٍ وَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ يَوْمٌ وَ لَيْلَةٌ وَقَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ رُوْحَةٌ فَسَأَلْتِي لَهُ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ بِالتَّقْصِيرِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلى الله عليه وآله فِي كَمْ ذَاكَ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ قَالَ وَ أَيْ شَيْءٍ الْبَرِيدُ قَالَ مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فِيءٍ وَعَيْرٌ ۲ قَالَ ثُمَّ عَيْرَنَا زَمَانًا ثُمَّ رَأَى [رُؤْيِي] بَنُو أُمِّيَّةَ يَعْمَلُونَ أَعْلَامًا عَلَى الطَّرِيقِ وَ أَنَّهُمْ ذَكَرُوا مَا تَكَلَّمُ بِهِ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام فَذَرَعُوا مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فِيءٍ وَعَيْرٌ ثُمَّ جَرَّوهُ إِلَى انْتِي عَشْرَ مِيلًا فَكَانَ ثَلَاثَةَ أَلْفٍ وَ خَمْسِمِائَةَ ذِرَاعٍ كُلُّ مِيلٍ فَوْضَعُوا الْأَعْلَامَ فَلَمَّا ظَهَرَ بَنُو هَاشِمٍ غَيَّرُوا أَمْرَ بَنِي أُمِّيَّةَ غَيْرَةً لِأَنَّ الْحَدِيثَ هَاشِمِيٌّ فَوْضَعُوا إِلَى جَنْبِ كُلِّ عَلَمٍ عِلْمًا؛

۱. فیومی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۱۵۵.

۲. غیر و غیر دو کوه معروف در مدینه هستند. فیض، وافی، ج ۷، ص ۱۲۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: ما نشسته بودیم و پدرم نزد یکی از والیان بنی امیه در مدینه بود. پدرم بعد از اینکه آمد نشست و فرمود: نزد والی بودم. او از حاضران در مورد مسافتی که موجب شکسته شدن نماز می شود پرسید. یکی از آنها گفت به اندازه‌ی سیر کردن سه شب است. دیگری گفت به اندازه‌ی سیر کردن یک شب و روز است. نفر سوم گفت به اندازه‌ی یک استراحت کردن است. از من پرسید گفتم هنگامی که جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده و حکم قصر نماز را آورد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: در چه مسافتی قصر باید کرد؟

جبرئیل گفت: پس از طی یک برید راه. آن حضرت پرسید: یک برید چه مسافتی است؟ عرض کرد: فاصله‌ی میان سایه کوه عیر تا سایه کوه وعیر، بعد از مدتی دیده شد که بنی امیه علامت‌هایی را در مسیرها قرار می دهند و طبق آنچه ابوجعفر علیه السلام فرموده بود عمل می کردند؛ پس آن ها این فاصله را اندازه گیری کرده و به دوازده میل بخش و علامت گذاری نمودند که هر میل معادل سه هزار و پانصد ذراع بود. پس علامت‌ها را قرار دادند تا هنگامی که بنی هاشم این کار بنی امیه را به خاطر غیرتشان تغییر دادند؛ چرا که این حدیث هاشمی بود لذا کنار هر علامتی نشانه‌ای دیگر قرار دادند.^۱

۲. روایت فقیه:

قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرَائِيلُ علیه السلام بِالْتَّقْصِيرِ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صلی الله علیه و آله فِي كَمْ ذَلِكَ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ فَقَالَ وَ كَمْ الْبَرِيدُ قَالَ مَا بَيْنَ ظِلِّ عَيْرٍ إِلَى فَيْءٍ وَعَيْرٍ - فَذَرَعَتُهُ بِنُوْ أُمِّيَّةَ - ثُمَّ جَزَّؤُهُ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مَيْلًا فَكَانَ كُلُّ مَيْلٍ أَلْفًا وَ خَمْسِمِائَةَ ذِرَاعٍ وَ هُوَ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ؛

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که جبرئیل بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شده و حکم تقصیر (کوتاه ساختن نماز برای مسافر) را آورد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود: در چه مسافتی قصر باید کرد؟ جبرئیل گفت: پس از طی یک برید راه آن حضرت پرسید: یک برید چه مسافتی است؟ عرض کرد: فاصله میان سایه کوه عیر تا سایه کوه وعیر، پس بنی امیه این فاصله را اندازه گیری کرده و به دوازده میل بخش و علامت گذاری نمودند که هر

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۶۰، ح ۱۳.

میل معادل هزار و پانصد ذراع و آن یک برید بود که عبارت از چهار فرسخ است.^۱

این دو روایت از جهت سندی ضعیف هستند؛ زیرا هر دو روایت، مرسله هستند. روایت دوم از مرسلات فقیه است که شیخ صدوق رحمته الله آن را با عبارت «قال الصادق عليه السلام» بیان کرده است نه با عبارت «روی عن». گرچه برخی عالمان قائل به حجیت این قسم از مرسلات فقیه هستند اما بنابر تحقیق هیچ یک از مرسلات فقیه حجیت ندارند. عبارت «قال الصادق عليه السلام» با عبارت «روی عن الصادق عليه السلام» هیچ تفاوتی ندارد.

دو روایت از جهت دلالتی نیز خالی از اشکال نیستند چرا که هر دو روایت، از یک واقعه حکایت می کنند اما روایت اول هر میل را ۳۵۰۰ ذراع و روایت دوم ۱۵۰۰ ذراع بیان کرده است، به هر حال این دو روایت را در برابر قطع یا شهرت بین عالمان - مبنی بر چهار هزار ذراع بودن یک میل - یا باید توجیه کرد یا کنار گذاشت؛ اما این که هر ذراع چند سانتیمتر است به طور دقیق مشخص نیست. یک سانتیمتر کم و زیاد در ذراع باعث پدید آمدن اختلاف حدود یک کیلومتر در هشت فرسخ می شود. همین که ذراع نزد قدما به طول ۳۲ انگشت و نزد متأخران به طول ۲۴ انگشت است می رساند که ذراع حد مشخص و منضبطی ندارد. بی انضباط تر از ذراع، انگشت و شعیر و شعر بر ذون است که در کلام فقیهان و لغوی ها آمده است؛ بنابراین با این معیار غیر منضبط برای تعیین مسافت شرعی در مهم ترین رکن دین یعنی نماز چه باید کرد؟

دیدگاه فقیهان درباره تحدیدهای روایتها: فقیهان ما نسبت به تحدیدهای بیان شده در روایتها دو دیدگاه داشته اند. عده ای این تحدیدها را دقیق و تحقیقی دانسته اند و در برابر عده ای دیگر اینها را یک سری معیارهای تقریبی و مبتنی بر مسامحات عرفیه دانسته اند.

مرحوم سید زدی رحمته الله: صاحب عروه بعد از این که در مسئله اول از نماز مسافر هر فرسخ را سه میل و هر میل را چهار هزار ذراع بیان کرده است، در مسئله دوم می فرماید:

۱. همان، ح ۱۶.

اگر مسافت از هشت فرسخ کمتر باشد شکسته خواندن نماز جایز نیست چرا که ملاک هشت فرسخ تحقیقی است و تسامح عرفی نیست. بلی، اختلافی که فی الجمله در ذراع‌های متوسط موجود است ضرری نمی‌زند، همان‌طور که در جمیع اندازه‌گیری‌های شرعی چنین است.^۱

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری^{رحمته}، آقای حکیم^{رحمته}، آقای خوبی^{رحمته} و آقای گلیایگانی^{رحمته} در حاشیه نوشته‌اند که ذراع متوسط و متعارف باید حساب شود و چون خود ذراع‌های متوسط گوناگون هستند؛ پس معیار اقل مصادیق متعارف است.

مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری^{رحمته}: ایشان می‌نویسد:

اشکالی در این نیست که ذراعی که ملاک برای اندازه‌گیری‌های شرعی قرار گرفته است ذراع متوسط متعارف است؛ همان‌طور که انگشتانی که در اندازه‌گیری ذراع در نظر گرفته شده‌اند نیز انگشتان متوسط متعارف است. لکن شبهه‌ای در اختلاف خود افراد متوسط از لحاظ کم و زیادی نیست؛ بنابراین معیار بر کمترین مقداری است که عرف بر آن صدق کند و مقدار زائد ملغی می‌شود، حتی اگر علم پیدا شود که زاید بر افراد متوسط دیگر نیست؛ و این بدان خاطر است که اگر تحقق هشت فرسخ به ملاحظه‌ی فردی از افراد ذراع صدق کند اطلاق ادله‌ی وجوب قصر بر هر کسی که این مقدار مسافت را طی کند صادق خواهد بود.^۲

چند سطر بعد می‌نویسد:

شکی نیست که مقتضای اطلاق در این صورت، اکتفا بر کمترین مصداق واقع شده خواهد بود و عدم انطباق طبیعت به ملاحظه‌ی ذراع دیگر موجب نمی‌شود که اقل مصداق صدق نکنند در حالی که مقتضای اطلاق کفایت، اصل تحقق مسافت مذکور است.^۳

این عالمان، معیار تشخیص میل را همان ذراع ید دانسته‌اند که از آرنج تا نوک انگشت میانی است و گفته‌اند که این یک معیار تدقیقی است نه تسامحی؛ البته ذراع کبیر یا صغیر

۱. سیدیزدی، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۱۱۳.

۲. محقق داماد، کتاب الصلوة، ص ۵۸۹.

۳. همان، ص ۵۹۰.

غیر متعارف معیار نیست؛ بلکه معیار، ذراع متوسط و آن هم اقل افراد آن است. وی معیار را تا حدودی منضبطتر کردند اما هنوز هم از بی انضباطی در نیامده است. سرانجام کمترین ذراع متوسط چند سانتیمتر است؟ هیچ کدام تحدید نکرده‌اند. افزون بر این اصلاً ممکن نیست! چرا که نمی‌توان گفت کمترین ذراع متوسط به‌طور دقیق فلان مقدار می‌باشد و اگر نیم سانتیمتر کمتر شد غیر متعارف است (نیم سانتیمتر در هشت فرسخ حدود نیم کیلومتر اثر می‌گذارد). به همین جهت برخی عالمان مانند مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی^۱ این مسافت‌ها را مسامحی و غیردقیق می‌دانند.

مرحوم سید اصفهانی^۱ وی گفته است که این مسافت‌ها مانند تحدیدهای شرعیه دیگر همچون کُر و مانند آن نیستند که معیار تحقیقی باشند؛ بلکه یک معیار تقریبی هستند چون احراز فرسخ به‌طور دقیق برای همه مکلفان ممکن نیست. شاهد این که امام صادق^{علیه السلام} در روایت ابن‌ابی‌عمیر فرمود که پیامبر اکرم^{صلی الله علیه و آله} حدّ امیال را از ظل غیر تا ظل و غیر- که دو کوه در مدینه هستند- قرار داد. در صورتی می‌توان میل را به فاصله بین دو کوه تحدید کرد که تحدید تقریبی باشد. وی در ادامه می‌نویسد:

امکان ندارد که معیار را هشت فرسخ حقیقی قرار دهیم چرا که ذراع و اصابع و شعیر که خود معیار اندازه‌گیری میل‌اند، مختلف هستند. از سوی دیگر، علاوه بر اختلافی که در تعیین مقدار میل نزد اهل لغت وجود دارد، دو روایت از امام صادق^{علیه السلام} نقل شده که یکی مقدار هر میل را دو هزار و پانصد ذراع و دیگری سه هزار و پانصد ذراع دانسته است.^۱ اگرچه از آنجا که اخذ به هر دو معیار ممکن نیست بایستی این دو خبر را به یک امر واحد باز گرداند، اما باید دانست که این دو خبر دال بر این هستند که معیار اندازه‌گیری تحقیقی نیست و اگر قرار بود تحقیقی باشد معیار را امری قرار می‌دادند که امکان تفاوت در آن نباشد؛ همان‌طور که در اشبار و ارطال در معیار آب کر چنین قرار داده‌اند.

علاوه بر این، فرسخ اگرچه به سه میل تحدید شده است لکن خود میل در اخبار اندازه‌ی مشخصی ندارد، لذا باید به آنچه که عرف تعیین می‌کند

۱. همان، ح ۱۳.

رجوع شود؛ بنابراین ظاهراً موضوع له میل تقریبی است، چرا که آن را به «مدّ البصر من الارض»^۱ یا به مقداری که سواره از پیاده متمایز باشد تفسیر کرده‌اند؛ در حالی که این معنا به حسب موضوع، معنایی است که شامل مقدار خاصی می‌شود که کم و زیادی اندک به آن ضرر نمی‌زند. لذا از قبیل منّ و حقّه‌ای که برای مقدار خاص معین وضع شده‌اند و جز با مسامحه بر غیر آن مقدار خاص صادق نیست، نمی‌باشد.^۲

بنابراین اگر فرسخ به طور مثال، ۵/۵ کیلومتر باشد، هشت فرسخ می‌شود ۴۴ کیلومتر اما عرف فاصله ۴۳ کیلومتر را هم هشت فرسخ می‌داند. طبق نظر وی که این تحدیدها تقریبی هستند، در فاصله ۴۳ کیلومتری هم نماز شکسته است؛ چون عرفاً هشت فرسخ طی کرده است اما طبق نظر صاحب عروه و برخی محشّین، اگر ذره‌ای هم از ۴۴ کیلومتر کمتر شود، نماز تمام است. برخی از عبارت‌های مرحوم آقای خوئی^۳ نیز موافق این کلام مرحوم سیداصفهانى^۴ است.

مرحوم آقای خوئی^۵: وی می‌نویسد:

اندازه‌ی میل در هیچ یک از نصوص وارد نشده مگر در یک روایت که همان مرسله‌ی خزاز است که حدّ آن را سه هزار و پانصد ذراع مشخص کرده است،^۳ در حالی که این مقدار خلاف کلام مشهور فقها و لغویین است^۴ که حدّ آن را چهار هزار ذراع می‌دانند.

البته وی به مرسله فقیه^۵ اشاره نکرده‌اند با این که روایت فقیه هم میل را به هزار و پانصد ذراع تحدید کرده و بعد از آنکه از فقیهان تحدید میل و ذراع و انگشت و شعر و شعیر را نقل کرده است، می‌نویسد:

احکام شرع مبتنی بر مثل این تدقیقات عقلیه‌ای که ضابطه‌ی معینی ندارند نمی‌باشد و چه بسا اختلاف کم بین یک مو با موی دیگر یا یک جو و جوی دیگر یا یک ذراع با ذراع دیگر، موجب فرق زیادی در مجموع

۱. فیروزآبادی، القاموس المحيط، ج ۴، ص ۵۳، ماده مال.

۲. سیداصفهانى، صلوٰة المسافر، ص ۳۱.

۳. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۶۰، ح ۱۳.

۴. پیش از این به تعدادی از آن‌ها اشاره شد.

۵. همان، ح ۱۶.

می‌شود؛ زیرا شکی نیست در اینکه این امور از لحاظ کوچکی و بزرگی و بلندی و کوتاهی با هم مختلف هستند. خلاصه اینکه وجهی برای این تدقیقات نیافتیم و اثر شرعی نیز بر آنها مترتب نمی‌شود؛ بلکه معیار در فرسخ و میل صدق عرفی است و روایات نیز که می‌فرمایند سیر کردن یک روز یا روشنایی یک روز و یا شغل یک روز و یا مسیر شتران یا هشت فرسخ و غیره از عناوینی که اهل عرف و محاوره آن را می‌دانند، به یک امر عرفی عادی اشاره دارند؛ پس معیار صدق عرفی است.^۱

در رساله وی آمده که چهار فرسخ مقداری کمتر از ۲۲ کیلومتر است؛ یعنی کم‌وبیش هر میلی هزار و هشتصد متر (یا چند متر بیشتر) و هر فرسخی کمتر از ۵/۵ کیلومتر است؛ یعنی حدود ۵۴۰۰ متر.

مرحوم شهید صدر^۲ هم چهار فرسخ را به‌طور دقیق ۲۱۶۰۰ متر معرفی کرده‌اند؛^۲ یعنی هر میلی ۱۸۰۰ متر و هر فرسخی ۵۴۰۰ متر. شاید وجه وی هم بر این تحدیدها همان رجوع به عرف باشد؛ البته در کتاب‌های لغت که مراجعه کردیم، تحدید میل به ۱۸۰۰ متر پیدا نکردیم.

میل در لغت: در کتاب **الاوزان و المقادیر** آمده که میل بر سه قسم است: الف) میل شرعی؛ ب) میل انگلیسی؛ ج) میل بحری. میل شرعی همان می‌باشد که به ذراع تحدید شده و مرحوم آقای خوئی^۳ نوشته است که به‌علت عدم انضباط آن سراغ میل عرفی می‌رویم. میل بحری هم در این کتاب به نقل از نویسنده رفیق الطلاب^۳ ۱۸۵۱ متر و اندی تحدید شده که دوازده میل (چهار فرسخ) آن بیش از ۲۲ کیلومتر می‌شود و حال آن‌که مرحوم آقای خوئی^۳ و شهید صدر^۲ به کمتر از ۲۲ کیلومتر معرفی کرده‌اند. افزون بر این که میل بحری همیشه مقید به بحری می‌آید و میل مطلق به آن گفته نمی‌شود اما درباره میل انگلیسی در این کتاب نوشته است:

میل انگلیسی که در این ایام در شرق و غرب شایع است و اطلاق میل در این زمان به آن انصراف دارد ۱۶۰۹ متر و نیم است. کما اینکه در مفکره‌ی

۱. خوئی، موسوعه، ج ۲۰، ص ۲۸ - ۲۹.

۲. صدر، الفتاوی الواضحة، باب نماز مسافر.

۳. چشتی گجراتی، رفیق الطلاب، ج ۴، ص ۱۸۹.

مواهب فاخوری که با تمام دقت نگاشته شده است آن را ۱۶۰۹ متر و سی سانتیمتر دانسته و این اندازه‌گیری دقیق‌تر است؛ در صفحه ۱۲۸ از جلد اول کتاب حساب متوسط نیز آمده است که میل تقریباً ۱۶۰۰ متر است و این گواه این مطلب است که این اندازه‌گیری تقریبی بوده و اشاره به همان اندازه‌گیری مذکور در مفرکه می‌باشد.^۱

در فرهنگ ابجدی آمده است:

الفرسخ: این کلمه فارسی بوده و گفته می‌شود که عبارت از ۱۲۰۰۰ ذراع است که کم‌وبیش معادل هشت کیلومتر می‌باشد.

در فرهنگ جامع نوین هر میل، دو هزار متر و در المنجد چهار هزار متر معرفی شده است - شاید این چهار هزار متر اشتباه نسخه بوده و همان دو هزار متر منظور بوده است؛ چون چهار هزار متر را از هیچ‌کس و هیچ‌جا برای یک میل سراغ نداریم - به هر حال آنچه در رساله آقای خوئی^ع و آقای تبریزی^ع آمده مبنی بر این که چهار فرسخ مقداری کمتر از ۲۲ کیلومتر است و آنچه که شهید صدر^ع در الفتاوی الواضحه نوشته که چهار فرسخ ۲۱۶۰۰ متر است؛ یعنی هر میلی ۱۸۰۰ متر، در کتاب‌های لغت - با وجود اختلاف فراوانشان - پیدا نشد. در ظاهر در بین مردم این‌گونه مشهور بوده که هر فرسخی حدود ۵/۵ کیلومتر و هر میلی ۱۸۰۰ متر است و وی به آن استناد کرده‌اند.

ملاحظه: اگر این تحدیدهای شرعیه مبتنی بر دقت‌های عقلیه نیست و معیار صدق عرفی است، پس چرا ایشان در رساله‌هایشان چهار فرسخ را این قدر دقیق مشخص کرده‌اند. مقداری کمتر از ۲۲ کیلومتر یا ۲۱/۶۰۰ کیلومتر از کجا آمده است؟ اگر بنا بر مسامحه و صدق عرفی باشد، به ۲۱/۵ کیلومتر و حتی کمتر از آن هم چهار فرسخ گفته می‌شود.

افزون بر این که بر فرض در عرف امروز هر میل ۱۸۰۰ متر باشد اما رجوع به عرف امروز، برای روشن شدن محدوده میل در روایت‌ها، کار درستی نیست؛ مگر این که اثبات کنیم حد میل زمان ما با زمان شارع یکسان است؛ چرا که مراد روایت‌ها از میل، به‌طور قطع واحد مشخصی در زمان شارع بوده است که معیار قصر برای تمام زمان‌هاست نه

۱. عاملی بیاضی، الأوزان و المقادیر، ص ۱۳۲.

این که در هر زمان میل معروف نزد خودشان معیار باشد؛ به طور مثال، اگر در عرف آینده به هر ده کیلومتر یک میل گفته شود، آیا می توان گفت که هشت فرسخ از این به بعد ۲۴۰ کیلومتر و تا پیش از آن نماز کامل است؟

مرحوم آقای بروجردی رحمته الله علیه از طرفی قبول ندارند که معیارهای مسافت شرعی معیار تقریبی و غیردقیق باشند؛ بلکه آن ها را منضبط و دقیق می دانند و از طرفی هم ذراع ید را غیرمنضبط می بینند و می نویسند ذراع ید را گر چه به ذراع متوسط حمل کردیم اما باز ذراع متوسط هم به حسب اشخاص، گوناگون و باعث بروز اختلاف کثیر در فرسخ می شود و بعید است که چنین معیار غیرمنضبطی حد مسافت شرعی باشد. به همین جهت وی می نویسد باید کلام مسعودی را متبع قرار داد که هر میل چهار هزار ذراع اسود است (نه ذراع ید) همان ذراعی که مأمون تحدید حکومتی کرده بود برای اندازه گیری پارچه، زمین، منزل و ... در اعصار و امصار گوناگون طول یک ذراع را متفاوت تحدید می کردند اما آنچه که اعلام می شد دقیق و در همه جا یکسان بود؛ بنابراین اختلاف های واقع در تحدید میل را هم باید بر همین اختلاف تحدیدهای حکومتی حمل کنیم. مسعودی چون نزدیک عهد مأمون بوده و به وضع تحدید زمان مأمون مطلع بوده است، قولش معتبر می باشد.

وی در پایان شبهه ای را دفع کرده و می نویسد:

اشکال نشود که غالب روایات ما در این باب از صادقین علیهما السلام صادر شده است پس چگونه روایات را بر موضوعات مأمون حمل می کنیم؟ در جواب گفته می شود: آنچه در روایات ما آمده فقط تحدید به میل است و اصلاً تحدید به ذراع در روایات نیامده است مگر در روایت خزّاز که اندازه ی آن را سه هزار و پانصد ذراع تعیین کرده است و همچنین مرسله ی صدوق که آن را هزار و پانصد ذراع دانسته است. بنابراین لازم است که ذراع وارد شده در این دو روایت را بزرگتر از ذراع تعیین شده از طرف مأمون بدانیم.^۱

در پایان، نتیجه گیری کرده و می نویسد:

۱. بروجردی، البدر الزاهر فی الصلاة الجمعة و المسافر، ص ۱۴۱.

خلاصه اینکه ظاهر آنست که اندازه‌گیری‌ها به امور منضبطی که از هرگونه کمی و زیادی مصون باشند، انجام می‌گیرد؛ در حالی که ذراع الید امری غیر منضبط است. البته قبول داریم که ذراع مامون در اصل از ذراع دست گرفته شده بوده که اندازه‌ی آن به حسب متعارف از آرنج تا آخر انگشتان، به میزان شش قبضه که بیست و چهار انگشت است می‌شود. و آنچه که ما نسبت به ذراع گفتیم در انگشتان و جو نیز جاری است؛ چرا که مراد از آن دو در اندازه‌گیری‌ها دو امر منضبط بوده که در اصل از انگشتان و جو گرفته شده است.^۱

کلام وی ما را از گرفتاری به ذراع ید بی‌انضباط، نجات می‌دهد و مجبور نمی‌شویم مانند مرحوم سید اصفهانی رحمته‌الله معیارها را مسامحی و غیردقیق بدانیم اما مشکل ما این است که ذراع اسود منضبط در آن زمان، به معیار امروزی زمان ما چند سانتیمتر است؟

۲. اندازه‌گیری مسافت‌های روایات

راه دیگری هم برای تشخیص مسافت شرعی وجود دارد و آن هم اندازه‌گیری مسافت‌هایی می‌باشد که در روایت‌هایی به فرسخ یا میل مشخص شده است. وقتی آن‌ها را با کیلومتر امروزی اندازه‌گیری کنیم، نسبت بین کیلومتر و معیارهای قدیمی مانند فرسخ به دست می‌آید اما مکان‌هایی که در روایت‌ها مسافت آن مشخص شده است:

- ۱) فاصله عرفات تا مکه که یک برید است.^۲
- ۲) فاصله بین ذی‌خشب تا مدینه که دو برید است.^۳
- ۳) فاصله ذباب تا مدینه که یک برید است.^۴
- ۴) فاصله بین ظل‌عیر و ظل‌وعیر در مدینه که یک میل است.^۵

۱. همان.

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۶۴، ح ۵ و ۶.

۳. همان، ج ۸، ص ۴۵۴، ح ۱۲.

۴. همان، ج ۸، ص ۴۶۱، ح ۱۵.

۵. همان، ج ۸، ص ۴۶۰، ح ۱۳.

۵) فاصله بین بغداد تا نهروان که چهار فرسخ است.^۱

از بین این مکان‌ها آن‌که تا حدودی مسافتش امروزه برای ما مشخص است، مسافت بین مکه تا عرفات می‌باشد اما بقیه موارد یا اصلاً مکانشان معلوم نیست؛ مانند ذباب و ذی‌خشب یا این‌که به علت تغییر و تبدل‌ها و توسعه آن‌ها، مسافت دقیقشان روشن نیست؛ به‌طور مثال، شاید راهی که آن زمان‌ها بین بغداد و نهروان یا کوفه و قادسیه وجود داشته است، راهی منحنی و دارای پیچ و خم و پستی و بلندی فراوانی بوده اما امروزه راهی مستقیم و هموار است. اگر راه بین دو مکان در آن زمان با عصر ما متفاوت شود، دیگر نمی‌توان مسافت آن را به کیلومتر حساب کرد.

اما بین مکه تا عرفات همان راهی که پیامبر اکرم ﷺ از آن تشریف می‌بردند اکنون مشخص است؛ به‌ویژه این‌که تا پیش از پدید آمدن خودروهایی جدید راه‌سازی مانند بولدوزر، لودر و ...، حجاج همان راه زمان پیامبر اکرم ﷺ را برای رفتن به عرفات طی می‌کردند که از راه مقبره معلاة وارد منی می‌شدند، بعد وادی محسر و بعد از آن مشعر و از راه مازمین وارد عرفات می‌شدند اما این‌که فاصله مکه تا عرفات به حدی است که باعث قصر می‌شود، قابل تردید نیست؛ به‌علت روایت‌های فراوانی که وجوب قصر نماز در عرفات را برای اهل مکه ثابت می‌کند - البته مکه زمان قدیم مراد است و گرنه اکنون که مکه گسترش پیدا کرده است، این فاصله کم شده و اهل مکه کنونی در عرفات هم نماز را تمام می‌خوانند.

برخی از این روایت‌هایی که قصر در عرفات را بیان می‌کنند عبارتند از:

۱. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنٍ يَأْتِيهِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ أَنَّهُ قَالَ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ «إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ - يُتِمُّونَ الصَّلَاةَ بِعَرَفَاتٍ - فَقَالَ وَيْلَهُمْ أَوْ وَيْحَهُمْ وَ أَيْ سَفَرٍ أَشَدُّ مِنْهُ لَأَنْتُمْ؛

معاویه بن عمار از امام صادق ﷺ پرسید: اهالی مکه نماز خود را در عرفات چهار رکعتی می‌خوانند، کار صحیحی است؟ ایشان فرمودند: وای بر آنان! کدام سفر از سفر عرفات مشکل‌تر است؟ نباید نماز چهار رکعتی بخوانند.^۲

۱. همان، ج ۸، ص ۴۶۸، ح ۱.

۲. همان، ج ۸، ص ۴۶۳، ح ۱.

۲. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَادٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ إِذَا خَرَجُوا حُجَّاجًا قَصَرُوا وَإِذَا زَارُوا وَرَجَعُوا إِلَى مَنَازِلِهِمْ أَتَمُّوا؛

امام صادق عليه السلام فرمودند: اهل مکه وقتی برای حج خارج می‌شوند نمازها را شکسته بخوانند و وقتی زیارت می‌کنند و به خانه‌هایشان باز می‌گردند نمازها را کامل بخوانند.^۱

۳. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ حُسَيْنَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: «أَهْلُ مَكَّةَ إِذَا زَارُوا الْبَيْتَ - وَ دَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ ثُمَّ رَجَعُوا إِلَى مَنَى أَتَمُّوا الصَّلَاةَ وَإِنْ لَمْ يَدْخُلُوا مَنَازِلَهُمْ قَصَرُوا؛

امام صادق عليه السلام فرمودند: چنانچه اهالی مکه که برای طواف زیارت به مکه می‌آیند، به خانه‌هایشان نیز وارد شوند، بعد از بازگشت به منی باید نمازهای خود را تمام بخوانند؛ اما اگر وارد خانه‌های خود نشوند، باید قصر کنند.^۲

۴. مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ «إِنَّ أَهْلَ مَكَّةَ إِذَا زَارُوا الْبَيْتَ - وَ دَخَلُوا مَنَازِلَهُمْ أَتَمُّوا وَإِذَا لَمْ يَدْخُلُوا مَنَازِلَهُمْ قَصَرُوا؛

امام صادق عليه السلام فرمودند: اگر اهالی مکه که برای طواف زیارت به مکه می‌آیند وارد خانه‌های خود نیز بشوند، باید نمازهای خود را تمام بخوانند، اما اگر وارد خانه‌های خود نشوند، باید قصر کنند.^۳

تبدیل به واحد متر: پس از فراغ از دو مطلب پیش‌گفته یعنی اثبات اصل وجود مسافت شرعیه بین مکه تا عرفات و معلومیت همان راهی که حجاج در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام می‌پیمودند نوبت به تبیین این مسافت به کیلومتر می‌رسد. اگر راه بیان‌شده را با کیلومتر اندازه‌گیری کنیم، می‌توانیم حد دقیق فرسخ را به دست آوریم.

در کتاب‌های فقیهان پیدا نکردم که به این روش استناد کرده باشند. فقط در رساله

۱. همان، ج ۸، ص ۴۶۵، ح ۸

۲. همان، ج ۸، ص ۴۶۴، ح ۴

۳. همان، ح ۷

حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی آمده که هر فرسخ کم و بیش پنج کیلومتر است؛ یعنی چهار فرسخ حدود بیست کیلومتر می‌شود و دلیلشان هم بر این فتوا استناد به همین فاصله بین مکه تا عرفات است و برای تعیین این مسافت به کتاب مرءاه الحرمین ارجاع داده است.

مرءاه الحرمین نوشته ابراهیم رفعت پاشا می‌باشد که خودش در سال ۱۳۲۰ و ۱۳۲۵ امیرالحاج بوده است و در این کتاب، سفرنامه خود را با دقت و تحقیق درباره اماکن حجاز و تاریخ و جغرافیای آن نگاشته است. مسافت‌هایی را که وی در این کتاب آورده عبارت است از:

«۱۰۴۲ متر از باب بنی شیبیه تا باب مقبره المعلاء.

۲۳۸۷ متر از باب المعلاء تا سبیل الست.

۳۱۲۰ متر از سبیل الست تا جمره العقبة.

۳۵۲۸ متر از جمره العقبة تا وادی المحسر: یعنی طول منی.

۳۸۱۲ متر از نهایت وادی محسر تا اول المأزمین: یعنی طول المزدلفة.

۴۳۷۲ متر از اول المأزمین تا دو علم قرار داده شده برای حرم.

۱۵۵۳ متر از اول دو علم قرار داده شده برای حرم تا دو علم قرار داده شده برای اول عرفه از سمت مکه.

۱۵۵۳ متر از اول دو علم عرفه تا سلع جبل الرحمة.

۲۱۳۶۷ متر مسافت بین باب بنی شیبیه شرقی مسجد الحرام و جبل الرحمة به عرفه»^۱.

وی در پاورقی نوشته است: ما این مسافت را از کتاب شفاء الغرام فاسی و تاریخ مکه ازرقی نقل کردیم؛ البته در این دو کتاب فاصله به ذراع نوشته شده است. در کتاب فاسی طول دیوارهای کعبه نیز به ذراع مشخص شده ساختمان کعبه از زمان فاسی تا کنون از جهت طول و عرض تغییری نکرده است و از آنجایی که این فاصله‌ها امروزه به متر معلوم است، نسبت بین ذراع فاسی و متر را به دست آوردیم و با آن مقدار ذراعی را که برای فواصل بین مسجد الحرام و عرفات ذکر کرده، محاسبه کردیم. نتیجه همان شد که بیان کردیم.

۱. رفعت پاشا، مرءاه الحرمین، ج ۱، ص ۳۴۰ - ۳۴۱.

فاصله ۲۱۳۶۷ متر که وی نقل کرده از خود مسجد الحرام (باب بنی شیبه) است تا جبل الرحمة اما ما باید داخل شهر مکه و نیز داخل عرفات را از حساب مسافت کم کنیم - دلیلش را در تنبیه اول بیان خواهیم کرد- اگر از پایان شهر مکه قدیم تا اول عرفات را حساب کنیم این فاصله حدود دو کیلومتر کمتر می‌شود؛ یعنی کل طریق کم‌ویش ۱۹ کیلومتر و اندی می‌شود.

شیخ بدر یکی از روحانیون شیعه مکه همین راه مرءاء الحرمین را با ماشین سواری پیموده و فاصله آن را چنین گزارش کرده است:^۱

«۵۷۰ متر از درب مسجد الحرام تا مقبره معلاء.
۴۷۸۰ متر از درب مسجد الحرام تا جمره عقبه.
۱۵۰۰۰ متر از جمره عقبه تا جبل الرحمه در عرفات.
۱۳۰۰ متر از اول عرفات تا جبل الرحمه».

البته درب مسجد الحرام که مبدأ اندازه‌گیری وی می‌باشد، درب کنونی آن است؛ یعنی نخستین جایی که خودروها می‌توانند رفت‌وآمد کنند و با توجه به این‌که وی فاصله درب کنونی تا مقبره معلاء را ۵۷۰ متر بیان کرده است و مرءاء الحرمین ۱۰۴۲ متر معلوم می‌شود درب کنونی حدود پانصد متر با باب بنی شیبه قدیم فاصله دارد. کل مسافتی که وی به دست آورده، ۱۹۷۸۰ متر است و اگر مسافت اول عرفات تا جبل الرحمه را که وی ۱۳۰۰ متر گفته است و نیز فاصله بین باب امروزی مسجد الحرام تا پایان مکه قدیم (حدود ۲۰۰ - ۳۰۰ متر) را از این راه کم کنیم، کم‌ویش هجده کیلومتر و خورده‌ای (کمتر از نوزده کیلومتر) برای این راه باقی می‌ماند؛ در حالی که مسافت مرءاء الحرمین ۱۹ کیلومتر و اندی بود؛ یعنی حدود یک کیلومتر بیشتر از مسافتی که شیخ بدر بیان کرده است. این اختلاف را هم می‌توان این‌طور توجیه کرد که پیش از این راه‌ها پستی و بلندی و اعوجاج بیشتری داشته که امروزه با وسائل جدید راه‌سازی هموار و مستقیم شده و باعث کم‌شدن فاصله شده است.

تأیید

تطبیق واحد سنجش فرسایش بر واحدهای سنجش امروزی

۱. وی از دوستان استاد بزرگوار، حاج آقا شهیدی هستند که به درخواست وی این مسافت را با ماشین اندازه گرفته و نتیجه آن را تلفنی گزارش کرده است.

نتیجه این که فاصله بین پایان مکه قدیم تا اول عرفات کم و بیش همان ۱۹ کیلومتر و اندی است که مرءاء الحرمین بیان کرده بود. از طرفی همان گونه که گفته شد این راه با راهی که روایتها بیان کرده اند یکی است؛ پس وقتی امام علیه السلام می فرماید که اهل مکه باید در عرفات نمازشان را قصر بخوانند معلوم می شود که فاصله حدود ۱۹ کیلومتر برای قصر کافی است.

تنبيه‌ها

در ادامه به بیان تنبيه‌های این بحث می پردازیم:

۱. تعیین مبدأ: بحثی در کتاب‌های فقهی مطرح می‌باشد که در محاسبه مسافت مبدأ و مقصد کجاست؟ آیا مبدأ منزل شخص است یا پایان دیوارهای شهر؟ مقصد، اول شهر است یا نقطه‌ای از شهر که مسافر می‌خواهد به آنجا برود؟ این مسئله اگرچه مسئله مهمی است اما در نتیجه بحث ما اثری ندارد؛ چون امام علیه السلام به طور مطلق فرمود که نماز اهل مکه در عرفات شکسته است؛ یعنی حتی کسانی که در واپسین نقطه شهر مکه ساکن بودند، اگر می‌خواستند در نخستن نقطه عرفات هم وقوف کنند باید نمازشان را شکسته می‌خواندند. به همین جهت ما در بحث معیار را بر فاصله بین پایان شهر مکه تا اول عرفات قرار دادیم.

۲. اختلاف‌های جزئی: همان گونه که در حاشیه مرءاء الحرمین نیز آمده است به جهت پستی و بلندی زمین یا برخی انحراف‌های جزئی در راه‌ها اختلاف‌های کمی در کتاب‌ها برای بیان این مسافت به چشم می‌خورد. حضرت آیت‌الله شبیری زنجانی نیز می‌فرمود: «ما به همین جهت در رساله تعبیر کردیم که فرسخ کم و بیش پنج کیلومتر است و نمی‌توان دقیق دقیق مشخص کرد اما به طور قطع آنچه که بزرگان تحدید کرده‌اند - مانند ۲۱/۵، ۲۱/۶، ۲۲، ۲۲/۵ و ۲۳ کیلومتر - بیشتر از فاصله بین مکه تا عرفات است»^۱.

۳. موارد شک: همان طور که گفته شد فاصله بین مکه تا عرفات حدود ۱۹ کیلومتر است اما نمی‌توان گفت که معیار قصر به طور دقیق همین ۱۹ کیلومتر است. به طور حتم برخی از مسافت‌ها مشکوک است که آیا باعث قصر می‌شود یا خیر؟ (کم و بیش بین ۱۸

۱. این مطلب‌ها را نویسنده به صورت شفاهی از وی شنیده است.

۲۰ - کیلومتر) در این موارد چه باید کرد؟ آیا عموم‌هایی وجود دارد که باید به آن‌ها رجوع کرد؟ یا استصحاب موضوعی عدم طی مسافت باعث قصر جاری است؟ یا اصلی دیگر؟ این هم بحثی است بسیار مهم که مجال جداگانه‌ای می‌طلبد اما راه دوم به همین اندازه برای انسان اطمینان حاصل می‌کند که مسافت ۲۰ کیلومتر و بیشتر به طور حتم باعث قصر است؛ یعنی هر فرسخی از ۵ کیلومتر بیشتر نیست.

۴. تطبیق مسافت با ذراع: در این جا اشکال مهمی مطرح شده که باید به آن پاسخ داد. همان‌طور که از محقق^ع، علامه^ع و صاحب مدارک نقل کردیم، مشهور یا مقطوع بین فقیهان این می‌باشد که هر میل چهار هزار ذراع، به ذراع ید است؛ بنابراین چهار فرسخ چهل و هشت هزار ذراع خواهد بود و اگر این مقدار را ۲۰ کیلومتر (بیشترین فاصله بین مکه تا عرفات) بدانیم هر ذراعی حدوداً ۴۱/۶ سانتیمتر خواهد بود و حال آن‌که ذراع متعارف بین ۴۵ - ۵۰ سانتیمتر است و اگر کمترین ذراع متوسط هم معیار باشد، طولش کمتر از ۴۴ - ۴۵ سانتیمتر نخواهد بود. ۴۱/۶ سانتیمتر طول ذراع غیرمتعارف است. حال اگر چهار فرسخ را همان حدود ۱۹ کیلومتر فرض کنیم طول ذراع از این هم کمتر خواهد شد؛ پس قبول این دو مطلب با هم یعنی این که چهار فرسخ را هم حدود ۱۹ کیلومتر بدانیم و هم چهل و هشت هزار ذراع، مشکل است و دست برداشتن از هر کدام مشکل‌تر. حال آن‌که طبق راه دوم همین چهار فرسخ کمتر از ۲۰ کیلومتر خواهد شد.

چهل و هشت هزار ذراع متعارف بین ۲۱/۵ - ۲۴ کیلومتر است؛ یعنی چهار فرسخ به حساب اقل ذراع متعارف بیش از ۲۱ کیلومتر است و حال آن‌که طبق راه دوم همین چهار فرسخ، بیست کیلومتر یا حتی کمتر از این خواهد شد. اگر این تهافت حل نشود، موارد شک ما افزوده می‌شود و در تمام این مقدار (۱۸ - ۲۱/۵ کیلومتر) باید به حکم شک عمل کرد اما در کمتر از ۱۸ کیلومتر به طور قطع نماز تمام و در بیشتر از ۲۳ کیلومتر به طور قطع شکسته است.

در پاسخ به این اشکال باید گفت: همان‌طور که اشاره شد، نخستین کتاب فقهی که هر میل را چهار هزار ذراع معرفی کرده است سرائر می‌باشد که از مروج الذهب مسعودی گرفته است. در حقیقت، شهرت یا اتفاق نظر فقیهان، همه از تحدید وی سرچشمه گرفته است. مسعودی هم حرفی از ذراع ید نزده بلکه به ذراع اسود تحدید

تاجتاد

کرده و نوشته است این همان ذراعی می باشد که مأمون تحدید حکومتی کرده بود برای اندازه گیری پارچه ها، منازل و ...؛ پس نمی توان اتفاق یا شهرت بر چهار هزار ذراع به ذراع ید را پذیرفت. مرحوم آقای بروجردی رحمته الله علیه هم همان طور که نقل کردیم، کلام مسعودی را متبع در این بحث دانست.

ذراع یک واحد سنجش بوده است که از طرف حکومت وقت مشخص و اعلام عمومی می شده و بر طبق همان هم خرید و فروش و قضاوت ها انجام می شده است. این واحدهای اندازه گیری به جهت تناسب با ذراع ید، ذراع نامیده می شدند اما هیچ الزامی نبوده است که به طور حتم با ذراع ید متعارف، هم اندازه باشد. فقیهان ما چهار هزار ذراع را از مسعودی نقل کرده اند اما ذراع را ذراع ید بیان می کردند و همین خاستگاه اشکال شده که ذراع از ۴۴ سانتیمتر کمتر باشد غیر متعارف است اما اگر ذراع را ذراع اسود بیان کردیم، دیگر الزامی نداریم که به طور حتم به حد ۴۴ سانتیمتر باشد؛ پس این که چهار فرسخ را ۲۰ کیلومتر یا حتی کمتر بدانیم با چهل و هشت هزار ذراع بودن فرسخ هیچ منافاتی ندارد.

جمع بندی و نتیجه گیری

فاصله ای که مسافر با طی آن نمازش شکسته می شود، طبق روایت ها چهار فرسخ است. چهار فرسخ با توجه به آنچه در مقاله پیش رو ثابت شد بین ۱۸ - ۲۰ کیلومتر است؛ پس اگر کسی قصد سفر ۲۰ کیلومتری یا بیشتر از آن را داشته باشد، به طور حتم نمازش شکسته می شود و اگر سفر کمتر از ۱۸ کیلومتر را قصد کند، به طور حتم نمازش کامل است. در فاصله بین ۱۸ - ۲۰ کیلومتر هم باید به عمومات یا اصول مراجعه کرد که این بحث مجالی مستقل می طلبد.

منابع و مأخذ

۱. ابن زهره حلبی، حمزه بن علی حسینی، غنیة النزوع إلى علمی الأصول و الفروع، قم: مؤسسه امام صادق رحمته الله علیه، ج ۱، ۱۴۱۷ ق.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ج ۱، ۲۰۰۰ م.
۳. اشتهاودی، علی پناه، مدارک العروة الوثقی، قم: چاپخانه مهر، ۱۳۶۱.

٤. بحراني، يوسف بن احمد، الحدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ١، ١٤٠٥ ق.
٥. بروجردي، سيد حسين، البدر الزاهر في الصلاة الجمعة و المسافر، قم: مكتب آيت الله العظمى المنتظري، ١٤١٦ ق.
٦. چشتي گجراتي، محمد بن حسن، رفيق الطلاب، [بي جا]: [بي نا]، [بي تا].
٧. حرّ عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ج ٣، ١٤١٦ ق.
٨. رفعت پاشا، ابراهيم، مرآة الحرمين، ترجمه هادي انصاري، تهران: نشر مشعر، ١٣٧٧.
٩. سيد اصفهاني، محمد حسين، صلوة المسافر، [بي جا]، [بي نا]، [بي تا].
١٠. سيد زدي، محمد كاظم، العروة الوثقى فيما تعم به البلوى، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ج ٢، ١٤٠٩ ق.
١١. صدر، سيد محمد باقر، الفتاوى الواضحة وفقا لمذهب اهل البيت عليه السلام، قم: محيين، ١٣٩٢.
١٢. طريحي، فخر الدين بن محمد، مجمع البحرين، تحقيق: سيد احمد حسيني، تهران: مرتضوي، ج ٣، ١٣٧٥.
١٣. عاملي بياضي، شيخ ابراهيم سلمان، الأوزان و المقادير، بيروت: للتراث و الفكر الاسلامي، ج ١، ١٣٨١ ق.
١٤. عاملي، محمد بن علي، مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام، بيروت: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ج ١، ١٤١١ ق.
١٥. علامه حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي، منتهى المطلب في تحقيق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية، ج ١، ١٤١٢ ق.
١٦. عيني، بدر الدين ابو محمد محمود بن احمد، عمدة القارئ في شرح صحيح البخاري، بيروت: دار الاحياء التراث العربي، [بي تا].
١٧. غنيمي ميداني، عبد الغني بن طالب بن حماده، اللباب شرح الكتاب، بيروت: المكتبة العلمية، [بي تا].
١٨. فيروز آبادي، محمد بن يعقوب، القاموس المحيط، بيروت: دار الكتب العلمية، [بي تا].

تأجتاح

۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر مؤمنان علیؑ، چ ۱، ۱۴۰۶ ق.
۲۰. فیومی، احمد بن محمد، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم: منشورات دار الرضی، چ ۱، [بی تا].
۲۱. محقق حلی، جعفر بن حسن نجم الدین، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۸ ق.
۲۲. محقق داماد، سید محمد، کتاب الصلوة، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۶ ق.
۲۳. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد، کفایة الأحكام، اصفهان: انتشارات مهدوی، چ ۱، [بی تا].
۲۴. معلوف، لویس، المنجد فی اللغة، قم: انتشارات بلاغت، ۱۳۷۸.
۲۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه الامام الخوییؑ، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوییؑ، [بی تا].
۲۶. نووی، محی الدین یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب، بیروت: دارالفکر، [بی تا].

تاجتاد